



زندان به سر برده، حکم بر پرداخت سهم دیه به چهارمین ولی دم صادر شد. با توجه به اینکه دسترسی به ولی دم چهارم مقدور نیست سهم دیه باید به صندوق امانی دادگستری واریز شود. بدین ترتیب سرنوشته مرد جوان به پرداخت سهم دیه گروه خورده است و در صورت پرداخت آن می تواند پس از ۲۱ سال از زنان آزاد شود. این در حالی است که مرد زندانی اظهار داشته توانایی پرداخت دیه را ندارد و چشم امید وی به کمک نیکوکاران است.

## زورگیری که زنان را به بهانه های مختلف به دخمه اش می کشاند

کند و سپس به مبلغ بیشتری به فروش می رساند و این گونه درآمد کسب می کند. هم به تقلید از او همین کار را کرد و کالاهایی را به زنان می فروخت اما یک روز زنی شبیه نامادری ام را دیدم که سفارش بخاری داده بود. انگار همه نفرت هادر وجود لبریز شد و تصمیم به عقده گشایی گرفتم. آن زن را به بهانه بازدید بخاری به منزل کشاندم و با همه احساس نفرتم او را تهدید کردم تا با ترساندن او، از زنان انتقام بگیرم. دوبار دیگر هم زمانی که در خانه تنها بودم با گذاشتن آکھی فروش پتو و بخاری در سایت واسطه گری، زنان را به خانه می کشاندم و با ترساندن آن ها عقده گشایی می کردم!

ولسی چند روز قبل هنگامی که خیلی بی پول بودم و گوشه تلفنم خراب شده بود، کارت بانکی پسر همسایه را به زور از او گرفتم که مشغول خرید کالا از فروشگاه بود. سپس با رمز بانکی که با تهدید از او گرفته بودم به یک موبایل فروشی رفتم و ابتدای یک گوشی خریدم و بقیه پول را هم مقداری خوراکی گرفتم. اولی خیلی زود پدر آن کودک از من شکایت کرد و نیروهای کلاتری طبرسی شمالی مرا دستگیر کردند. با وجود این دوست ندارم به خانه نامادری ام بازگردم چرا که ...

این گزارش حاکی است با توجه به ارتکاب جرایم خاص از سوزی این نوجوان ۱۷ ساله وی با دستور قضایی روانه کانون اصلاح و تربیت شد تا بررسی های پلیس درباره جرایم احتمالی دیگر وی ادامه یابد.

گروه حوادث - به خاطر رفتارهای نامادری ام از همه زن ها متنفر شده بودم به گونه ای که وقتی یک روز زنی را شبیه او دیدم دیگر نتوانستم خودم را کنترل کنم. آن زن را به بهانه بازدید از بخاری فروشی به خانه کشاندم و ... نوجوان ۱۷ ساله ای که به اتهام زورگیری و تبهکاری دستگیر شده است، درباره سرگذشت کینه توزانه خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلاتری طبرسی شمالی مشهد گفت: یک سال پیش نداشتم که مادرم بر اثر ابتلا به سرطان درگذشت و پدرم در مدت کوتاهی با زن جوان دیگری ازدواج کرد. او سرپرستی من و برادرم را به عهده گرفت اما زمانی که خودش صاحب فرزند شد، دیگر هیچ اهمیتی به من نمی داد. برادرم که بزرگ تر بود، به سرکار رفت و زندگی مستقلی تشکیل داد ولی من باید رفتارهای نامادری ام را تحمل می کردم.

او برای من غذا درست نمی کرد و تکم می زد حتی یک بار به خاطر شکستن بشقاب مرا چند ساعت در اتاق تاریک زندانی کرد به گونه ای که در ۵ سالگی فهمیدم کسی مرا دوست ندارد. پدرم نیز درگیر اعتیاد بود و فقط حرف های همسرش را باور می کرد. خلاصه رفتارهای خشن و توهین آمیز نامادری ام موجب شد تا نفرتی عجیب از زنان پیدا کنم و آن ها را به چشم دشمن می نگرینم تا این که مدتی قبل یکی از دوستانم که چند سال از من بزرگ تر است ادعا کرد که برخی کالاهای ارزان قیمت را در سایت های واسطه گری خریداری می

## تنها شرط آزادی قاتل بعد از ۲۱ سال!

گفت: مرد جوانی در همسایگی ما زندگی می کند و گاهی اوقات برای شب نشینی به خانه ام می آید. چند شب قبل که به خانم ام آمد، حال روحی خوبی نداشت. او برایم تعریف کرد که حدود یکسال قبل دست به قتل ناخواسته زده و راننده ای را به قتل رسانده است. در این مدت عذاب وجدان و هایش نکرده و چند بار هم خواسته خودش را به پلیس معرفی کند اما جرأت این کار را نداشته است. او حتی گفت، ای کاش یک نفر او را به پلیس لو می داد تا شاید کابوس هایش پایان یابد. نمی دانم کار درستی بود که ماجرای او را برای پلیس تعریف کردم یا نه اما آدرس او را به شما می دهم.

پس از آن کاراگاهان جنایی راهی آدرس مورد نظر شده و مرد جوان را دستگیر کردند. وی وقتی مقابل افسر پرونده اش قرار گرفت، لب به اعتراف گشود: اسفند سال گذشته در حال عبور از خیابان بودم که خودروی پیکان مقتول مقابل پایم توقف کرد. راننده با داد و فریاد از ماشین پیاده شد و اقدام را گرفت. می گفت من با او تصادف کرده و سپس فرار کرده ام و حالا که مرا پیدا کرده باید خسارت ماشینش را بدهم. از شنیدن حرف های او شوکه شده بودم هر چه خواستم توضیح بدهم که مرا اشتباه گرفته توجهی نمی کرد. کم کم عصبانی شدم و دعوا بالا گرفت، قصدم کشتن او نبود و ناخودآگاه دست به چاقو شدم.

پای چوبه دار

گروه حوادث - مرد زندانی که ۲۲ سال قبل مرتکب قتل شده و سه نفر از اولیای دم نیز او را بخشنده اند به شرطی آزاد خواهد شد که سهم دیه چهارمین ولی دم را که در خارج از کشور زندگی می کند، بپردازد. دوم اسفند سال ۱۳۸۰ درگیری مرگباری در جنوب پایتخت به تیم جنایی اعلام شد. با گزارش این خبر تیم جنایی راهی محل حادثه شده و با جسد مردی ۷۰ ساله در حالی مواجه شدند که با ضربه چاقو به قتل رسیده بود.

جسد پیر مرد در چند قدمی یک خودروی پیکان افتاده بود و دو بسته پول به مبلغ دو بیست هزار تومان نیز همراهش بود اما نه پول های به سرقت رفته بود و نه خودروی مقتول و این موضوع نشان می داد که جنایت به خاطر سرقت رخ نداده است.

در تحقیقات از شاهدان، یکی از آنها گفت: در حال عبور از خیابان بودم که متوجه صدای درگیری مقتول و مرد جوانی شدم. نمی دانم درگیری شان به چه دلیل بود اما ناگهان، مرد جوان چاقویی را بیرون آورد و ضربه ای به مقتول زد و متوازی شد. با کمک شاهدان، چهره نگاری عامل جنایت که به نظر می رسید جوانی ۲۰ ساله است، انجام شد اما با گذشت یک سال از این ماجرا ردی از وی به دست نیامد.

تماس مرد ناشناس

بررسی های تیم جنایی برای رازگشایی از این جنایت و دستگیری قاتل ادامه داشت تا اینکه مرد ناشناسی با پلیس تماس گرفت و

## قتل خونین پسر بیگناه پس از مرگ دختر تهرانی

اعتراف متهم، بازسازی صحنه جرم انجام شد و با تکمیل تحقیقات پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

نخستین جلسه دادگاه و حکم قصاص

در آن جلسه اولیای دم درخواست قصاص کردند و قضات پس از شنیدن دفاعیات متهم، گزارش پزشکی قانونی و بررسی پرونده و بر اساس درخواست اولیای دم وی را به قصاص محکوم کردند و حکم با تأیید قضات دیوان عالی کشور قطعی شد و متهم در یک قدمی چوبه دار قرار گرفت.

بخش مادر مقتول

در حالی که دو سال از قطعی شدن حکم گذشته بود و پسر جوان در یک قدمی اجرای حکم قصاص قرار داشت، سرانجام مادر مقتول که تنها ولی دم پرونده بود به شرط دریافت دیه رضایت داد و پسر زندانی از چوبه دار رهایی یافت.

مادر مقتول زمانی که برای اعلام رضایت به دادگاه رفت، گفت: من با دریافت دیه قاتل پسر را بخشیدم هر چند تمام زندگی ام که پسرم بود از دست رفت اما حالا اعلام می کنم که تمام دیه پسر را برای شادی روح فرزندم به کودکان بی سرپرست می بخشم.

به این ترتیب بخش پسر پرونده در شعبه ۱۰ دادگاه کیفری یک استان تهران از جنبه عمومی جرم محاکمه شد.

دومین جلسه دادگاه

در این جلسه بهروز ضمن تشریح جزئیات ماجرای درگیری با قربانی به قضات گفت: روز حادثه شنیدن خبر مرگ نامزد من را شوکه کرده بود، هنوز هم نمی دانم دختری که در سلامت کامل بود و هیچ بیماری نداشت چطور فوت کرد. باور کنید آنقدر این خبر مرا شوکه کرده بود که نمی دانستم

گروه حوادث - پسر جوانی که به خاطر شوک از دست دادن نامزدش مرتکب قتل شده و تا یک قدمی چوبه دار رفته بود در حالی با پرداخت دیه رضایت گرفت که مادر مقتول دیه دریافتی را به کودکان بی سرپرست بخشید.

زمستان سال ۱۴۰۰ گزارش درگیری خونینی در یکی از بوستان های تهران اینبارس به مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ اعلام شد. پس از آن مأموران به محل نزاع رفتند و با بررسی های اولیه پلی به برند که درگیری میان دو پسر جوان رخ داده و در جریان آن یکی از آنها با ضربات چاقو مجروح شده و ضارب نیز از صحنه فرار کرده است. پس از آن مجروح حادثه به بیمارستان منتقل شد اما ساعتی بعد به علت شدت جراحات وارده و خونریزی شدید تسلیم مرگ شد و جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد. در نخستین گام مأموران پلیس به سراغ شاهدان درگیری رفتند و آنها مشخصات ضارب را که پسری ۲۶ ساله به نام بهروز بود به پلیس دادند. در ادامه بررسی ها سرانجام با تلاش مأموران پسر جوان ردیابی و بازداشت شد و در همان بازجویی های اولیه به درگیری خونین با مقتول اعتراف کرد و گفت: من عاشق دختری بودم و قرار بود از دوام کنیم اما روز حادثه خانواده نامزدم خبر مرگ مشکوک او را به من دادند. از شنیدن این خبر دیوانه شدم، با حالی پریشان در خیابان ها راه می رفتم و گریه می کردم تا اینکه به پارک رسیدم. در آنجا مقتول را دیدم و با هم چشم در چشم شدیم، آنجا که

حالم بد بود با او درگیر شدم. با وساطت چند نفر دعوا خاتمه پیدا کرد. من روی نیمکت پارک نشسته بودم و به نامزدم فکر می کردم که نیم ساعت بعد همان پسر دوباره با یکی از دوستانش به پارک برگشتند و ناگهان به سمت حمله کردند، من هم برای دفاع از خودم با چاقو او را زدم و وقتی روی زمین افتاد فرار کردم. با

## نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

 <h3>مفقودی</h3>	 <h3>حمل بار</h3>	 <h3>جویای کار</h3>	 <h3>استخدام</h3>
<p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۰۰۶۸۱/۳۶ به نام پارمیدا صنعت نما مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد</p>	<p>حمل و جابجایی کالا با ۶ چرخ در سطح جزیره ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰</p>	<p>کارشناس ارشد شیمی دارنده مدرک کارشناسی ارشد شیمی با سابقه کار مسئول آزمایشگاه و مسئول تحقیقات در زمینه شیمی جویای کار بعنوان کارشناس یا مسئول آزمایشگاه در کیش می باشد. تلفن تماس: ۰۹۱۳۹۶۶۴۴۲۵</p>	<p>استخدام گرافیکست گرافیکست آشنا به فتوشاپ مورد نیاز است. متقاضیان به نشانی، خیابان فردوسی، ویلاهای مروارید، بلوک B3، طبقه سوم، واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. شماره تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹</p>
<p>اصل سند خودروی Xtrail مدل ۲۰۱۸ به رنگ سفید به شماره پلاک ۳۵۱۵۶ و شماره شاسی ۰۱۱۰۱۰ و شماره موتور 25222107M به نام مهدی شریفی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	<h2>نیازمندیها</h2> <p>۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۳۹۱۰</p>	 <h3>خشکشویی</h3>	<p>از مترجم متن زبان، فارسی به انگلیسی به صورت پاره وقت دعوت به عمل می آید. ۴۴۴۲۴۹۹۹</p>
<p>اصل کارت اشتغال به نام راز محمد غلامی به شماره گذرنامه P00949036 و شماره پروانه کار ۱۷۳۹۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	 <h3>سم پاشی</h3>	<p>خشکشویی طلوع در اسرع وقت با تضمین و کیفیت عالی همراه با پیک تحویل آدرس: مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برجهای طلائی و بازار کوروش ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸ - ۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ با مدیریت عسکری</p>	 <h3>خدمات</h3>
<p>اصل کارت اشتغال به نام راز محمد غلامی به شماره گذرنامه P00949036 و شماره پروانه کار ۱۷۳۹۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	<p>کنترل حشرات و جانوران مودی کیش سم بدون نیاز به ترک منزل و جا به جایی بازدید و مشاوره رایگان مهندس آذر ۰۹۳۴۷۶۸۶۳۷۸ - ۰۹۱۲۹۶۲۴۲۵۶ بازار هرمز S102</p>	 <h3>خدمات برق</h3> <p>انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸</p>	<p>نیازمندیها</p>
<p>۴۴۴۲۴۹۹۹ با یک تماسی مشترک شریک</p>	<p>۴۴۴۲۴۹۹۹</p>	<p>۴۴۴۲۴۹۹۹</p>	<p>۴۴۴۲۴۹۹۹</p>

## کلیه سفارشات

تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲

MDF، چوبی

دکوراسیون غرفه و منزل

# حلاج کیش صنایع چوب